

Weekly English Recap: 16 Shadowing Pairs

English learning resource · FA

Key words & expressions · English + Persian

16 learning entries

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

1

get straight to the point

مستقیم رفتن سر اصل مطلب · بی مقدمه گفتن نکته اصلی

DEF

To say the important thing immediately, without a long introduction.

It values clarity and efficiency. It is direct, but tone and context determine whether it sounds helpful or rude; learn the fixed form with "the point".

FA

گفتن فوری نکته مهم، بدون مقدمه‌ای طولانی.

این عبارت بر روشنی و کارآمدی تأکید دارد. مستقیم است، اما لحن و موقعیت تعیین می‌کند مفید یا بی ادبانه به نظر برسد؛ شکل ثابت آن با «the point» به کار می‌رود.
Let's get straight to the point: we cannot finish the project today.

مستقیم برویم سر اصل مطلب: امروز نمی‌توانیم پروژه را تمام کنیم.

She got straight to the point and asked whether I wanted the job.

او مستقیم رفت سر اصل مطلب و پرسید آیا آن شغل را می‌خواهم.

2

beat around the bush

از اصل مطلب طفره رفتن · حاشیه رفتن

DEF

To avoid saying the main thing directly, especially when the subject is uncomfortable.

It is often critical and suggests that someone is wasting time or avoiding honesty. The continuous form "beating around the bush" is especially common.

FA

مستقیم نگفتن موضوع اصلی، به‌ویژه وقتی موضوع ناراحت‌کننده است.

این عبارت اغلب انتقادی است و نشان می‌دهد کسی وقت تلف می‌کند یا از صداقت دوری می‌کند. شکل استمراری «beating around the bush» بسیار رایج است.
Stop beating around the bush and tell me what happened.

دیگر حاشیه نرو و بگو چه اتفاقی افتاد.

He beat around the bush before admitting that he had lost the keys.

پیش از آنکه اعتراف کند کلیدها را گم کرده، از اصل مطلب طفره رفت.

3

read between the lines

منظور پنهان را فهمیدن · از بین سطرها معنی را دریافتن

DEF

To understand a meaning that is suggested but not stated directly.

It relies on clues in wording, omissions or tone; it does not mean inventing a message without evidence.

FA

فهمیدن معنایی که اشاره شده، اما مستقیم بیان نشده است.

این عبارت بر نشانه‌های موجود در انتخاب واژه، ناگفته‌ها یا لحن تکیه دارد؛ به معنای ساختن پیامی بدون مدرک نیست.
If you read between the lines, her polite reply is actually a refusal.

اگر منظور پنهان را بفهمید، پاسخ مؤدبانه او در واقع جواب منفی است.

Reading between the lines of the report, the team expects another delay.

از میان سطرهای گزارش می‌توان فهمید که تیم انتظار تأخیر دیگری را دارد.



4

keep someone posted

کسی را در جریان گذاشتن • کسی را از تازه‌ترین خبرها آگاه نگه داشتن

DEF

To continue giving someone the latest information as a situation develops.

The natural pattern is "keep someone posted about/on something". "Keep me posted" is a common standalone request for future updates.

FA

با پیشرفت یک وضعیت، همچنان تازه‌ترین اطلاعات را به کسی دادن.

الگوی طبیعی آن «keep someone posted about/on something» است. «Keep me posted» به‌تنهایی درخواستی رایج برای دریافت خبرهای بعدی است.
I'll keep you posted about the interview.

تو را درباره مصاحبه در جریان می‌گذارم.

Please keep us posted on any changes to the schedule.

لطفاً ما را در جریان هر تغییری در برنامه بگذارید.

5

minor

جزئی • کم‌اهمیت

DEF

Small in scale or effect, with limited consequences.

Minor does not mean that something should be ignored; it means its effect is limited. Common combinations include "minor problem", "minor mistake", "minor delay", "minor injury" and "minor damage".

FA

از نظر اندازه یا اثر کوچک و دارای پیامدهای محدود.

Minor شامل ترکیب‌های رایج است. ترکیب‌های رایج «minor problem»، «minor mistake»، «minor delay»، «minor injury» و «minor damage» هستند.

A spelling mistake in the draft handout is a minor error.

غلط املایی در پیش‌نویس برگه یک خطای جزئی است.

There was a minor delay because the room was still being cleaned.

چون اتاق هنوز در حال تمیز شدن بود، تأخیر کوتاهی پیش آمد.

6

serious

جدی • شدید

DEF

Important or severe, with significant possible consequences.

Serious describes severity, not necessarily time pressure. A serious problem can deserve careful attention without requiring action in the next few seconds; common partners include "illness", "accident", "risk" and "damage".

FA

مهم یا شدید، با پیامدهای احتمالی قابل‌توجه.

نه لزوماً فشار زمانی را. یک مشکل جدی ممکن است به توجه دقیق نیاز داشته باشد، بی‌آنکه اقدام در چند ثانیه آینده لازم باشد؛ ترکیب‌های رایج آن شامل Serious هستند. «illness»، «accident»، «risk» و «damage» شدت را توصیف می‌کند.

The funding gap is a serious problem because the free classes could disappear.

کمبود بودجه مشکلی جدی است، زیرا ممکن است کلاس‌های رایگان از بین بروند.

The roof damage is serious, but it is not urgent while the weather is dry.

آسیب سقف جدی است، اما تا وقتی هوا خشک است فوری نیست.



7

urgent

فوری • نیازمند اقدام فوری

DEF

Requiring immediate attention or action.

Urgent mainly describes time pressure, not severity. Something may be urgent without having major long-term consequences, or it may be both urgent and serious.

FA

نیازمند توجه یا اقدام فوری.

Urgent عمدتاً فشار زمانی را توصیف می‌کند، نه شدت را. چیزی ممکن است فوری باشد، بدون آنکه پیامدهای بزرگ بلندمدت داشته باشد، یا هم فوری و هم جدی باشد *Urgent*.
Water near the electrical socket makes this an urgent repair.

وجود آب نزدیک پریز برق این تعمیر را فوری می‌کند.

Finding the passenger's passport is urgent because the bus leaves in five minutes.

پیدا کردن گذرنامه مسافر فوری است، چون اتوبوس پنج دقیقه دیگر حرکت می‌کند.

8

Could you give me a hand?

می‌توانی به من کمک کنی؟ • می‌توانی یک دستی برسانی؟

DEF

A friendly request asking someone to help with a practical task.

Give someone a hand is an idiom: no literal hand is involved. It is natural with friends and colleagues and often takes with plus a noun or an ing-form.

FA

درخواستی دوستانه برای کمک در یک کار عملی.

می‌آید *ing* و اسم یا فعل *with* یک اصطلاح است و معنای حرفی ندارد. با دوستان و همکاران طبیعی است و اغلب با *give someone a hand*.*Could you give me a hand with these boxes?*

می‌توانی در جابه‌جا کردن این جعبه‌ها به من کمک کنی؟

Could you give me a hand moving this table?

می‌توانی برای جابه‌جا کردن این میز به من کمک کنی؟

9

Would you mind...?

ممکن است ...؟ • زحمت می‌کشید ...؟

DEF

A polite way to ask whether someone is willing to do something.

Use would you mind plus an ing-form, not an infinitive. In reply, Not at all means the person is happy to help because the action is not a problem.

FA

روشی مؤدبانه برای پرسیدن اینکه آیا کسی مایل است کاری انجام دهد.

یعنی فرد با میل کمک می‌کند *Not at all*، فعل می‌آید، نه مصدر. در پاسخ *ing* با شکل *would you mind*.*Would you mind holding the door for me?*

ممکن است در را برایم نگه دارید؟

Would you mind checking these numbers?

ممکن است این اعداد را بررسی کنید؟



10

I could use some help with...

در مورد ... به کمک نیاز دارم. • کمی کمک برای ... مفید است.

DEF

An indirect way to say that help would be useful with a task or problem.

This gently signals a need rather than asking a direct yes-or-no question. It works best when the situation is clear and the listener can offer help.

FA

روشی غیرمستقیم برای گفتن اینکه کمک در یک کار یا مشکل مفید خواهد بود.

به جای طرح یک پرسش مستقیم، نیاز را به نرمی نشان می دهد. وقتی موقعیت روشن است بهترین کارکرد را دارد.

I could use some help with this report.

در مورد این گزارش به کمک نیاز دارم.

I could use some help carrying these bags.

برای حمل این کیسه ها به کمک نیاز دارم.

11

I'd appreciate it if you could...

ممنون می شوم اگر بتوانید... • سپاسگزار می شوم اگر...

DEF

A polite, slightly formal way to ask someone to do something.

It suits work, emails and requests involving extra effort. Use could followed by the base form: could send, could check, could help.

FA

روشی مؤدبانه و کمی رسمی برای درخواست انجام کاری از کسی.

برای محیط کار، ایمیل و درخواست هایی که نیازمند تلاش بیشترند مناسب است. پس از **could** شکل ساده فعل می آید.

I'd appreciate it if you could send me the figures before lunch.

ممنون می شوم اگر ارقام را پیش از ناهار برایم بفرستید.

I'd appreciate it if you could check the booking one more time.

ممنون می شوم اگر رزرو را یک بار دیگر بررسی کنید.

12

Could you help me out with...?

می توانی در ... به من کمک کنی؟ • می توانی مرا از این مشکل دریاوری؟

DEF

A friendly, informal request for help with a particular problem or task.

Help someone out often suggests solving a difficulty or providing practical support. It is warmer and more conversational than simply saying help me.

FA

درخواستی دوستانه و غیررسمی برای کمک در یک مشکل یا کار مشخص.

help me out اغلب به حل یک مشکل یا ارائه کمک عملی اشاره دارد و از **help someone out**

Could you help me out with this form?

می توانی در پر کردن این فرم به من کمک کنی؟

Could you help me out by watching the shop for ten minutes?

می توانی با ده دقیقه مراقبت از فروشگاه به من کمک کنی؟



13

Is there any chance you could...?

آیا احتمالی هست که بتوانید...؟ • ممکن است ...؟

DEF

A gentle request that asks whether doing something might be possible.

Is there any chance makes the request tentative and gives the listener an easy way to say no. It is useful when asking for a favour or when availability is uncertain.

FA

درخواستی ملایم که می پرسد آیا انجام کاری ممکن است.

Is there any chance را محتاطانه می کند و مجال پاسخ منفی را به راحتی می دهد. برای خواستن لطف یا زمانی که دسترسی نامشخص است مناسب است

Is there any chance you could pick me up after work?

آیا احتمالی هست که بعد از کار دنبالم بیایید؟

Is there any chance you could look over this email today?

آیا ممکن است امروز این ایمیل را مرور کنید؟

14

Would you be able to...?

برایتان ممکن است ...؟ • می توانید ...؟

DEF

A polite request that checks whether someone has the time or ability to do something.

This wording acknowledges possible practical limits, so it is useful at work and when a task may take time. It is more tentative than Can you...?

FA

درخواستی مؤدبانه که بررسی می کند آیا کسی برای انجام کاری وقت یا توانایی دارد.

این عبارت محدودیت های عملی را به رسمیت می شناسد؛ بنابراین در محیط کار و برای کارهای زمان بر مفید است.

Would you be able to join the call at three?

برایتان ممکن است ساعت سه به تماس ملحق شوید؟

Would you be able to help me carry the equipment downstairs?

می توانید برای بردن تجهیزات به طبقه پایین به من کمک کنید؟

15

Could I ask you a favour?

می توانم لطفی از شما بخواهم؟ • می توانم از شما درخواستی داشته باشم؟

DEF

A polite way to signal that you are about to request someone's help.

This sentence introduces the request but does not contain it, so follow with a clear explanation. It is natural with friends and colleagues; a large favour may need more context.

FA

روشی مؤدبانه برای نشان دادن اینکه قصد دارید از کسی کمک بخواهید.

این جمله درخواست را معرفی می کند، اما خود درخواست را نمی گوید؛ پس از آن باید توضیحی روشن بیاید. با دوستان و همکاران طبیعی است.

Could I ask you a favour? I need someone to check this application.

می توانم لطفی از شما بخواهم؟ نیاز دارم کسی این درخواست نامه را بررسی کند.

Could I ask you a favour and borrow your charger for an hour?

می توانم لطفی از شما بخواهم و شارژرتان را یک ساعت قرض بگیرم؟



16

I was wondering if you could...

می‌خواستم بپرسم آیا می‌توانید... • با خودم فکر می‌کردم آیا می‌توانید...

DEF

A very gentle and indirect way to introduce a request.

The past continuous was wondering softens the request; it does not mean the speaker has stopped wondering. It is common for favours and polite professional requests.

FA

روشی بسیار ملایم و غیرمستقیم برای مطرح کردن درخواست.

گذشته استمراری *was wondering* درخواست را ملایم‌تر می‌کند و به این معنا نیست که پرسش تمام شده است. در خواستن لطف و درخواست‌های حرفه‌ای رایج است.
I was wondering if you could cover my shift on Friday.

می‌خواستم بپرسم آیا می‌توانید جمعه شیفت من را پوشش دهید.

I was wondering if you could explain the last step again.

می‌خواستم بپرسم آیا می‌توانید مرحله آخر را دوباره توضیح دهید.

